

فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی آمریکا و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز

علی بغیری*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۲۳

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۱۲/۲

چکیده: کنترل جهان بدون توجه به قلب زمین مکیندر، که در نظر عده‌ای آسیای مرکزی و قفقاز است، بسیار دشوار است. سوای ویژگی ماهوی این منطقه، رقابت و مبارزه آمریکا با اصلی‌ترین رقبایی که در پذیرش نظم بین‌الملل آمریکایی با چالش روبرو شده‌اند، در این منطقه از اهمیتی خاص برخوردار است. لذا آمریکا برای کنترل بر منطقه‌ای که در فاصله‌ای دور از سرزمین اصلی خود قرار دارد به افزایش حامیان خود در منطقه نیاز دارد. ولی توسعه نفوذ با استفاده از این حامیان بدون چالش نیست. ترکیه به عنوان متحد استراتژیک آمریکا از منافع در منطقه برخوردار است که گاه با منافع غرب در تعارض قرار می‌گیرد. بنابراین ما با شرایطی نه چندان ساده روبرویم که همکاری‌ها و رقابت‌ها را در منطقه محدود می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، روسیه، ترکیه، آسیای مرکزی، قفقاز، نظم بین‌الملل آمریکایی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته، رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، ورودی ۱۳۸۳، دانشگاه امام صادق (ع).

مقدمه

قفقاز منطقه‌ای کوهستانی در جنوب غربی آسیا است که در همسایگی روسیه، ترکیه و ایران قرار دارد. ارتفاعات قفقاز بزرگ آن را به قفقاز جنوبی (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و قفقاز شمالی (جمهوری‌های خودمختار روسیه که به ترتیب از شرق به غرب عبارتند از: داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کاباردابالکار، قاراجای - چرکس، آدیگه) تقسیم می‌کند. اما با توجه به آنکه این جمهوری‌ها به فدراسیون روسیه متعلق هستند منظور ما از قفقاز در این مقاله قفقاز جنوبی است. فروپاشی شوروی، ظهور کشورهای مستقل، وقوع انقلاب‌های رنگی از تحولات مهم این منطقه به شمار می‌آیند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۵-۳۱).

آسیای مرکزی نیز بخشی از آسیا است که شامل جمهوری‌های ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان است. در همسایگی روسیه، چین، افغانستان، ایران و دریای خزر قرار دارد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۲: ۵-۸). تشابهات زیاد این دو منطقه سبب شده تا بسیاری از محققین هر دو را با هم مورد بررسی قرار دهند. از ویژگی‌های مشترک این دو عبارتست از: محل تقاطع غرب و شرق، اسلام و مسیحیت، محصور در خشکی بودن همه کشورهای این دو ناحیه جز گرجستان، دارا بودن منابع بویژه هیدروکربنی. گرچه اهمیت این دو ناحیه برای بازیگران مختلف متفاوت است، به عنوان نمونه اهمیت قفقاز برای ترکیه بیش از آسیای مرکزی است، ولی همه بازیگران رقابت‌کننده هر دو منطقه را در توجه خود قرار می‌دهند. بنابراین منظور ما از کلمه منطقه در این مقاله آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی است.

این مقاله به بررسی حضور دو بازیگر در منطقه می‌پردازد. وجود منابع طبیعی، قرار گرفتن منطقه در کنار بزرگترین رقبای آمریکا (روسیه، چین و ایران) از عوامل جلب توجه آمریکا به منطقه است. با فروپاشی شوروی و ایجاد جمهوری‌های جدید آمریکا با تغییر سیاست خارجی خود توانست در قلمروهای سابق شوروی پای گذارد. ترکیه نیز با بهره‌برداری از فرصت‌هایی چون هواداری از غرب، مسلمان و دموکراتیک بودن، داشتن اقتصاد مبتنی بر بازار سعی دارد با بهبود پیوند خود با منطقه - که از ۱۹۸۹ در سیاست اعلانی آن قرار دارد - به عنوان مدلی مطلوب برای کشورهای منطقه قرار گیرد. از این رو

سؤال اصلی این مقاله در علت حضور این بازیگران در منطقه قرار دارد. برای این منظور به سه سؤال فرعی پاسخ داده شده است. لذا فرصت‌ها، اهداف و چالش‌های پیش روی آنها مورد توجه قرار گرفته است. منظور از "فرصت‌ها" مکانیسم‌ها و راهکارهایی است که زمینه را برای حضور بازیگر در منطقه در جهت پیگیری اهداف اصلی خود فراهم می‌آورد. منظور از "اهداف"، مقاصد اصلی بازیگر و چشم‌انداز استراتژی بلندمدت بازیگر در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است. گرچه تفکیک فرصت از هدف دشوار است ولی اهداف معمولاً در سیاست‌های اعلانی جای ندارند.

با توجه به آنکه هدف همه بازیگران توسعه نفوذ است، مقاله حاضر آن را مفروض قرار داده و دلایل آن را به عنوان اهداف جستجو می‌کند. با توجه به وجود چالش‌های فراوان، ما تنها برخی از چالشهایی را مورد توجه قرار می‌دهیم که در آنها بین فرصت‌ها و اهداف مورد پیگیری تناقض حاصل می‌آید و در نتیجه‌گیری به سیاست خارجی احتمالی این دو در منطقه می‌پردازد.

۱- آمریکا

آمریکا در دهه ۱۹۹۰ در غالب کردن نظام تک قطبی - نه هژمونیک - خود موفق بود. در حال حاضر اوپاما سعی دارد تا با تأکید بر جنبه‌های مشروعیت‌آفرین قدرت فعلی آمریکا، که نسبت به قدرت سخت سال‌های گذشته افول کرده است، راه را برای اعاده قدرت نسبی این کشور فراهم سازد. با این حال گمان می‌رود که اوپاما حداکثر بتواند قدرت آمریکا را به جایگاه قبلی خود بازگرداند و فراتر از آن دور از دسترس گمارده می‌شود. بنابراین باید به فعالیت آمریکا در منطقه از جنبه استراتژیک و رقابت برای شکل‌دهی نظم مورد نظر خود در جهان نگریم (Sajjad pour, 2005: 19).

۱-۱- فرصت‌ها

۱-۱-۱- نیاز منطقه به سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری به عنوان نیاز اساسی منطقه راهکاری برای آبادانی تحت شروط اصلاحاتی خاصی است که در راستای منافع، بویژه قدرتهای اقتصادی همچون آمریکا، قرار گرفته است

(Sulaiman, 2002: 85). این درحالی است که منافع اقتصادی ناشی از بازار مصرف منطقه برای شرکت‌های آمریکایی نیز مورد توجه قرار دارد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۸۲).

۱-۱-۲- استفاده از ناتو

تمایل کشورهای منطقه برای عضویت در ناتو در ارتباط با تهدید امنیتی ادراکی بازیگران منطقه قرار دارد. ترس این کشورها از وابستگی، خصوصاً امنیتی، به روسیه به همراه ضعف آنها در برقراری توازن با همکاری یکدیگر، آنها را به نیروهای خارجی نیازمند ساخته است. قدرت سازمان ناتو به همراه پایین تر بودن تهدید امنیتی نسبت به تکیه بر سازمان‌های روسی یا سازمان‌هایی که روسیه از نفوذ زیادی در آنها برخوردار است، مثل سازمان همکاری‌های شانگهای، سبب گرایش نسبی این کشورها به خود شده است. این گرایش در صورت مدیریت قوی غرب به رهبری آمریکا، بویژه در اجتناب از ایجاد اصطکاک با روسیه و شانگهای، می‌تواند فرصتی مناسب در راستای منافع آنها قلمداد گردد (آلیسون، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

۱-۱-۳- مبارزه با تروریسم

هرچند که در حال حاضر این فرصت به عنوان بهانه‌ای برای بسیاری از بازیگران محسوب می‌گردد ولی آمریکا، به عنوان داعیه‌دار و مبدی این مبارزه، همچنان بیش از سایرین از توان لازم برای بهره بردن از این فرصت، بویژه در راستای افزایش نیروی نظامی خود در منطقه بعد از ۱۱ سپتامبر، برخوردار است (Shaffer, 2003).

۱-۱-۴- استفاده از متحدین خود

ترکیه و اسرائیل به عنوان متحدین آمریکا از فرصت‌های فرهنگی و لابی‌گری مناسبی در منطقه برخوردار هستند (آلیسون، ۱۳۸۲: ۱۸۱). هرچند این اتحاد استراتژیک با نوسان همراه بوده است اما سه بازیگر به خوبی از مزایای نسبی یکدیگر برای توسعه نفوذ آگاه هستند و با وجود رقابت به دنبال همکاری برای ایجاد شرایط برد-برد در مناسبات بین خود هستند. طوری که شرایط بازی با همدیگر در منطقه را به نسبت شرایط بازی با سایر رقبا همکارانه‌تر فهم می‌کنند.

۱-۱-۵- ارتقاء دموکراسی و دفاع از حقوق بشر

آمریکا با استفاده از این شعار و در قالب انقلاب‌های رنگی توانست بر نفوذ خود در منطقه بیفزاید (Durmaz, 2008). این در حالی است که پایین بودن دموکراسی در این منطقه و افزایش تقاضا برای دموکراسی و افزایش نقش سازمان‌ها و بازیگران مدعی دموکراسی - از آن جهت که معمولاً در گفتمان غربی هویت یافته‌اند - بیش از همه می‌تواند با توسعه نفوذ غرب، بویژه قدرتمندترین بازیگر آن، آمریکا، همراه باشد.

۱-۱-۶- وجود حکومت‌های طرفدار غرب

توان سیاسی، اقتصادی بالاتر آمریکا به همراه ترس منطقه از وابستگی به شریکی بی‌اعتماد چون روسیه در گرایش منطقه به غرب، بویژه بعد از انقلاب‌های رنگین، به نحوی مؤثر بوده است که به عنوان مثال شاهد اعتراض‌های فزاینده تفلیس به سیاست‌های روسیه - مهمترین رقیب آمریکا در منطقه - در منطقه هستیم.^۱

۱-۱-۷- بی‌ثباتی در منطقه

خلاء قدرت ناشی از فروپاشی شوروی فرصتی است بویژه برای قدرتی همچون آمریکا که در مقایسه با سایر رقبا از فاکتورهای اقتصادی، سیاسی و اعتمادزایی بیشتری برخوردار است، طوری که صرف ابراز تمایل او باما برای، مثلاً حل مسئله قره‌باغ، حتی بدون اقدام عملی، می‌تواند وزنه ادراکی سنگینی برای افزایش نقش آمریکا در منطقه باشد (Sulaiman, 2002: 86).

۱-۱-۸- روش‌های فرهنگی، بنیادها و سازمان‌ها

با توجه به نفوذ آمریکا در اغلب سازمان‌های بین‌المللی، بویژه دولتی، و با توجه به نیاز مالی کشورهای منطقه به اعطاء وام نقش این نهادها، مثلاً IMF در اعطاء وام به ازبکستان^۲، در ایجاد اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی، بویژه در جهت جلوگیری از نفوذ رقبایی چون روسیه، چین و ایران، نمایان گردد.

۹-۱-۱- استفاده از منطقه برای کنترل افغانستان

حفظ ثبات در افغانستان برای کشورهای منطقه از اهمیت برخوردار است ولی به علت ضعف آنها در برقراری ثبات، تثبیت امنیت از طریق تئوری ثبات هژمونیک، با رضایت کشورهای منطقه همراه بوده است. آمریکا با بهره بردن از توان سخت‌افزاری مناسب، به نحوی از این فرصت بهره می‌برد که حتی با وجود تردید قرقیزستان در بستن پایگاه نظامی آمریکا در ماناس، ابراز تمایل تاجیکستان برای همکاری با آمریکا در افغانستان را شاهد هستیم (Akbarzadeh, 2005).

۱۰-۱-۱- تأمین امنیت خطوط انرژی

با توجه به بازیه‌های روسیه در استفاده از انرژی به عنوان فرصت فشار، غرب در جستجوی مسیری دیگر برای انتقال خطوط انرژی از یاری آمریکا، مثلاً در طرح باکو - تفلیس - جیهان، بهره می‌برد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۲۱). اروپا برای کاهش وابستگی خود به روسیه در این طرح از حمایت آمریکا بهره می‌برد.

۲-۱- اهداف

۱-۲-۱- کنترل روسیه

آمریکا جهت کنترل قدرتمندترین رقیب خود در جهان با محدود کردن دایره نفوذ آن در منطقه حتی به حمایت از جریان‌های تندروی اسلامی برای راندن روسیه به مرزهای قرن ۱۶ پرداخته است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۸۵).

۲-۲-۱- مهار ایران

آمریکا با محدود کردن دایره نفوذ ایران، بزرگترین مخالف آمریکا در جهان، در منطقه می‌تواند در ناامید کردن این کشور از نگاه به افق‌های دوردست و افزایش اجماع بین‌المللی در مقابله با آن و کاهش قدرت چانه‌زنی ایران در مسائل غیرقابل قبول نظم بین‌المللی، به عنوان مثال در مسئله هسته‌ای، مؤثر افتد.

۱-۲-۳- مهار اسلام‌گرایی

اسلام مهم‌ترین مکتبی خواهد بود که در مقابل سرمایه‌داری و لیبرالیسم آمریکا به مقابله می‌پردازد. بنابراین در درجه اول جلوگیری از ازدیاد مسلمانان و در درجه بعد ایجاد اسلام سکولار، بویژه با کمک ترکیه، مورد توجه آمریکا قرار دارد (ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳: ۳۷).

۱-۲-۴- مهار سلاح‌های اتمی منطقه

ترس از گسترش این سلاح‌ها به علت شکست تأثیر بازدارندگی آنها و برهم خوردن نظم بین‌المللی بویژه با فروپاشی شوروی نمایان شد. دستیابی مخالفین آمریکا، همچون ایران، و گروه‌های تروریستی، مثل القاعده، به همراه ضعف اقتصادی کشورهای منطقه و ضعف جامعه مدنی در کشورهای منطقه در مخالفت با فروش این تسلیحات بر افزایش اضطراب غرب مؤثر بوده است.

۱-۲-۵- ارائه الگو به کشورهای منطقه

برای این منظور ترکیه، به عنوان متحد استراتژیک آمریکا و یک کشور لائیک، مدلی است که از جانب آمریکا برای پذیرش در آسیای مرکزی مورد حمایت قرار می‌گیرد.

۱-۲-۶- کنترل منابع انرژی

در این راه کنترل منابع انرژی و حفظ امنیت خطوط لوله برای جلب نظر مثبت سایر کشورها و مخصوصاً غرب نه تنها او را از منافع اقتصادی ناشی از انرژی و منافع اقتصادی ناشی از حفاظت از این خطوط و منافع سیاسی ناشی از کاهش وابستگی به منافع غیرقابل اطمینان خاورمیانه بهره‌مند می‌سازد بلکه باعث تثبیت این تصور می‌شود که جز آمریکا کسی قادر به حفظ امنیت خطوط نیست و آمریکا به عنوان پلیس خوب جهان مورد پذیرش، مخصوصاً اروپا، قرار گیرد. لذا از این طریق شاهد نفوذ غیرمستقیم آمریکا در اروپا و سایر نقاط جهان هستیم (Varadarajan, 2007).

۱-۲-۷- همگرا کردن منطقه با سیاست و اقتصاد غرب

آمریکا در راستای تثبیت پایه‌های تسلط هژمونیک خود در جهان به این همگرایی نیازمند است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۹۸).

۱-۲-۸- پیگیری اهداف نظامی - امنیتی

بدست آوردن بازار تسلیحاتی منطقه با سود اقتصادی و ایجاد وابستگی به آمریکا همراه است، به علاوه رقابت روسیه و آمریکا در تأسیس پایگاه‌های نظامی در منطقه از آنجاست که حتی صرف وجود پایگاه به کنترل بیشتر یک رقیب در منطقه دلالت می‌کند. به علاوه آمریکا برای کنترل افغانستان، روسیه، چین و ایران و تأمین امنیت خطوط لوله و منطقه ایجاد این پایگاه‌ها را ضروری می‌پندارد.

۱-۲-۹- کنترل چین

کنترل چین به عنوان یکی از مهمترین رقبای اقتصادی آمریکا در جهان با محدود کردن دسترسی او به منابع انرژی منطقه می‌تواند از قدرت فزاینده اقتصادی که با قدرت سیاسی نیز همراه است، جلوگیری کند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۸۵). چین با داعیه تمدنی و فرهنگی متفاوت از غرب به عنوان رقیبی جدی در رقابت تمدنی قرن ۲۱ محسوب می‌شود. با این حال، کنترل ورودی‌های انرژی می‌تواند یکی از مهمترین پاشنه آشیل‌های او در راه توسعه صلح آمیز قلمداد شود.

۱-۳-۳- چالش‌ها

۱-۳-۱- عدم موفقیت آمریکا در برقراری ثبات

از یک سو وجود ناآرامی بهانه‌ای است برای ورود آمریکا و از سوی دیگر در صورتی که آمریکا قادر به تسکین اوضاع نشود از اعتبار مورد نیاز خود برای رسیدن به قدرت هژمونیک محروم می‌گردد. شواهد نشان می‌دهد که بعد از ۱۱ سپتامبر آمریکا در برقراری ثبات در منطقه ناموفق بوده است (Brow, 2009: 198). آمریکا با این تعارض روبرو است که ورود او در منطقه با افزایش تنش همراه است (Sulaiman, 2002: 91) زیرا این امر در افزایش رقابت با حاصل جمع صفر میان بازیگران مؤثر در منطقه تأثیر خواهد گذاشت.

۱-۳-۲- افغانستان، نیازمندی جدید آمریکا به روسیه

وابستگی سنتی بسیاری از کشورهای منطقه به روسیه (Olcott, 1996: 57-85)، نارضایتی بسیاری از مردم منطقه با ورود آمریکا و اقدامات او در افزایش نیاز آمریکا به او مؤثر بوده

است (Bhadrakumar, 2009) و این امر با سیاست محدودسازی روسیه در تعارض است به طوری که آمریکا مجبور شد تا در ازای جلب همیاری روس‌ها در افغانستان کمک به حامیان گرجی خود را کاهش دهد.^۳ صدور اجازه از طرف لاروف به آمریکا در ارسال تدارکات غیرنظامی به افغانستان از خاک روسیه، برتری روسیه و وابستگی آمریکا به او در این منطقه را نشان می‌دهد. البته از سوی دیگر این نشان از آن دارد که با وجود اختلاف شدید بین دو قدرت، آمریکا و روسیه در موضوع افغانستان با یکدیگر هم‌عقیده هستند و احتمالاً با آمدن اوباما سیاست تنش‌زدائی بین این دو در اولویت قرار خواهد گرفت.

۱-۳-۳- گسترش ناتو و تعارض با تنش‌زدائی اوباما با روسیه

ابراز تمایل بایدن، معاون اوباما، برای حل و فصل مسائل با روسیه با حمایت از گرجستان برای پیوستن به NATO در تعارض است. نزدیک شدن ناتو به روسیه، مثلاً در همکاری در افغانستان، متفاوت از همکاری با ناتو است زیرا در این همکاری بر وابستگی غرب به روسیه افزوده می‌شود. ولی در صورت عضویت کشورهایی چون گرجستان به ناتو از درجه وابستگی غرب به روسیه کاسته می‌شود لذا روسیه در مقابل این الحاق واکنش نشان خواهد داد. به طوری که پوتین در اظهارات خود تلویحاً نشان داد که پاسخ روسیه به گرجستان در منازعه اوستیای جنوبی درسی برای آنهاست که خواهان ورود ناتو به منطقه هستند.^۴

۱-۳-۴- حمایت از فعالیت‌های دموکراتیک و تیرگی روابط با کشورهای منطقه

حمایت از این فعالیت‌ها فرصتی برای نفوذ آمریکا در منطقه است ولی با نارضایتی دولتمردان آنها، مثلاً نارضایتی ازبکستان از حمایت غرب از شورش اسلامی اندیجان و تعطیلی پایگاه آمریکا در تاشکند، همراه است (آلیسون، ۱۳۸۴: ۱۷۶-۱۷۷).

۱-۳-۵- تلاش آمریکا برای عبور خطوط لوله از مسیری جز ایران و تعارض با منابع

اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا با آمریکا در ناتو از منافع مشترکی بهره می‌برند و لذا تقویت یکی با تقویت دیگری همراه است. ایران از موقعیتی مناسب برای اهداف سیاست خارجی اروپا برخوردار است (معظمی گودرزی، ۱۳۸۳: ۲۳۵). ولی مخالفت آمریکا با این امر

اروپا را از منافع موجود در ایران بازداشته است. هرچند که این اختلاف احتمالاً در سطح پایین باقی می‌ماند ولی از تفاوت بین منافع آمریکا و اروپا حداقل در برخی از حوزه‌های موضوعی نشان دارد.

۱-۳-۶- زیرساخت‌های ضعیف برای انتقال خطوط لوله

هرچند که اتحادیه اروپا نیز با عبور خطوط از مسیری به غیر از روسیه توافق کرده ولی سایر کشورهای منطقه از زیرساخت ضعیفی برای بهره‌برداری از منابع انرژی و انتقال آن برخوردارند و تنها ایران و روسیه‌اند که از زیرساخت‌هایی قابل اعتماد بهره می‌برند (Rumer, 2000: 86-149).

۱-۳-۷- ناکامی آمریکا در جایگزین کردن انرژی منطقه بجای خاورمیانه

کمی‌بود منابع این منطقه نسبت به خاورمیانه و ضعف در زیرساخت‌های استخراج و انتقال انرژی، آمریکا را همچنان محتاج به خاورمیانه نگه داشته است.

۱-۳-۸- مخالفت آمریکا با ایران و بهره‌برداری روسیه

دخالت آمریکا در منطقه منجر به همگرایی مجدد روسیه با ایران و چین گشته است و ممانعت آمریکا از عبور خطوط لوله از ایران به سود روسیه تمام خواهد شد (آلیسون، ۱۳۸۴: ۱۶۴). هرچند که غرب سعی دارد با عبور خطوط انرژی از مسیری به غیر از روسیه و ایران انتخاب سومی برای خود بگشاید ولی حداقل در کوتاه مدت و تا احداث این خطوط، این اقدام آمریکا به نفع روسیه تمام خواهد شد.

۱-۳-۹- مخالفت گروه‌های مردمی با افزایش حضور آمریکا در منطقه

مخالفت گروه‌های اسلامگرا در ازبکستان (Akbarzadeh, 2004: 274) و ناسیونالیست‌های گرجستان^۵ به افزایش حضور آمریکا در کشورشان در تعارض با بهره بردن از فرصت‌های دموکراتیک برای توسعه نفوذ او قرار دارد.

۲- ترکیه

گمان می‌شد که با پایان جنگ سرد از اهمیت راهبردی ترکیه برای غرب در جلوگیری از توسعه کمونیسم کاسته شود (انصاری، ۱۳۷۳: ۲۹۰) و لذا نفوذ ترکیه در این مناطق کاهش یابد (Hunter, 2001: 5). ولی با فروپاشی شوروی و ایجاد کشورهای جدید - که از اشتراکات فرهنگی مناسبی با ترکیه برخوردارند - سبب احیای نفوذ ترکیه در منطقه شد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۳۷). وجود جمعیت فراوان ترک زبان و سنی مذهب نشان از آن دارد که همسانی‌های فرهنگی و زبانی محور نفوذ ترکیه در این منطقه است (Jung, 2001: 181). از همین رو است که ترکیه به دنبال ایجاد همگرایی بین بیش از ۲۵۰ میلیون ترک زبان گام بر می‌دارد. حادثه ۱۱ سپتامبر نیز منجر به آن شد که ترکیه تحت عنوان مبارزه با تروریسم بین‌المللی در قالب ناتو به ارتقاء جایگاه خود در منطقه اقدام نماید. وابستگی ناتو به موقعیت استراتژیک و نیروی زمینی ترکیه سبب آن شده که توسعه این سازمان در منطقه منافعی را برای ترک‌ها به همراه آورد.

۲-۱- فرصت‌ها

۲-۱-۱- بی‌ثباتی در قفقاز

ترکیه که در همسایگی این منطقه قرار دارد و از اشتراکات فرهنگی زیادی - به علت وجود قوم ترک - در منطقه برخوردار است نمی‌تواند از این بهانه کمتر از رقبای دیگری بهره برد که فرسنگ‌ها از منطقه فاصله دارند.

۲-۱-۲- اشتراکات فرهنگی با کشورهای منطقه

وجود پنج جمهوری مسلمان‌نشین ترک (آذربایجان، قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان) سبب آن شده که این منطقه به عنوان راه نجات ترکیه قلمداد شود. ترکیه در راه نفوذ خود در منطقه حتی به حمایت از اقوام ترک در منطقه، مثلاً در گرجستان، پرداخته است (Meskhetian, 2002: 49-64).

۲-۱-۳- اتحاد استراتژیک با آمریکا

ناتو به رهبری آمریکا، برای توسعه نفوذ خود به متحدین خود در منطقه نیازمند است. بر این اساس ترکیه یکی از کشورهای مد‌نظر آمریکاست که با ایفای نقشی ارزنده می‌تواند از این موقعیت بهره‌برد (Ashgater, 2007: 104).

۲-۱-۴- همراهی با غرب در جلوگیری از نفوذ روسیه و ایران

رقابت ترکیه با ایرانی‌ها؛ ایدئولوژیک و با روس‌ها سیاسی است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۱) و این رقابت مورد حمایت غرب قرار دارد که امتیازی برای ترکیه در پیگیری اهداف خود قلمداد می‌شود. در دهه ۱۹۹۰ تلاش ترکیه در بسترسازی‌های فرهنگی معطوف بود ولی با شکل‌گیری این بسترها، دولتمردان ترکیه رفته رفته سعی کرده‌اند تا برای بهره‌برداری از این اشتراکات فرهنگی، نگاه پان‌ترکیسم خود را به نگاه اقتصادی مبدل سازند. بخش انرژی مهمترین دغدغه ترک‌ها برای بهره‌مندی از این مناطق است.

۲-۲- اهداف

۲-۲-۱- ارائه الگوی حکومتی لائیک برای کشورهای منطقه

در این راه غرب به رهبری آمریکا به شدت از ترکیه حمایت می‌کند. آن‌ها با شناختی که از اسلام دارند، در یافته‌اند که اسلام سیاسی هرگز با توسعه نفوذ یکجانبه قدرت‌ها همخوانی ندارد، لذا آمریکا سعی دارد تا با توسعه نفوذ ترکیه مسلمان مانع از آن شود که افکار مسلمان آسیای مرکزی علیه آمریکا شکل گیرد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

۲-۲-۲- توسعه اندیشه پان‌ترکیسم

حضور ۲۰۰ میلیون ترک از آسیای مرکزی و قفقاز تا انتهای شبه جزیره بالکان ترکیه را از این امکان بهره‌مند می‌سازد که با ایجاد اتحاد میان آنها به مؤثرترین بازیگر منطقه مبدل شود (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۳۸).

۲-۲-۳- مبدل شدن به پل ارتباطی

مبدل شدن به پل ارتباطی بین غرب و منطقه از لحاظ سیاسی و عبور انرژی می‌تواند در ایجاد پیوندی مؤثر باشد که بر نیاز غرب به او و افزایش قدرت چانه‌زنی او سهمیم است. به

نظر می‌رسد بی‌اعتمادی به روسیه در عبور خطوط انرژی از آن و قرار داشتن ترکیه در موقعیت جغرافیایی مناسب برای عبور خطوط انرژی به همراه مواضع سیاسی نزدیک ترکیه با غرب و نفوذ فرهنگی ترکیه در منطقه عملاً سبب پذیرش غرب به اعطاء این دو جایگاه به او می‌شود (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۸۰).

۲-۲-۴- دفاع از آذربایجان در برابر ارمنستان

دفاع ترکیه از آذربایجان به لحاظ تاریخی به تلاش عثمانی و آتاتورک برای حضور در قره‌باغ بر می‌گردد. به علاوه، فروش تسلیحات به آذربایجان و محدود کردن ارمنستان که در محاصره ترکیه و آذربایجان قرار دارد - و به دریا دسترسی ندارد - برای رها کردن دعاوی خاصی، چون قتل عام ارامنه توسط عثمانی، و گرویدن به ترکیه از جمله منافع ترکیه در این راستا هستند.

۲-۲-۵- جلوگیری از بنیادگرایی

ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان می‌تواند با ارائه الگوی سکولار به عنوان آنتی تزی درونی در جهان اسلام در مقابل سایر گزینه‌های اسلامی همچون افراط‌گرایی و الگوی ایرانی محسوب گردد که از حمایت غرب نیز بهره‌مند است. موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی ترکیه می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر در گرایش مسلمانان منطقه به الگوی خود محسوب گردد.

۲-۲-۶- جلوگیری از سیطره روسیه بر منافع و خطوط انرژی و افزایش نقش خود در این حوزه

بازی‌های تقریباً همیشگی روسیه در استفاده از انرژی به عنوان فرصتی برای اعمال فشار به غرب سبب آن شده که غرب به شدت در جستجوی راهی به غیر از روسیه، بویژه از طریق ترکیه، برای مبادله انرژی باشد. در این راستا ترکیه حتی از دلایل زیست محیطی و همراهی این سازمان، مثلاً استفاده از آلودگی زیست - محیطی ناشی از تراکم کشتی‌ها در تنگه بسفر برای احداث خط لوله باکو - جیهان نیز بهره می‌برد (رضائی، ۱۳۸۰: ۵-۶). با احداث خط لوله باکو - تفلیس ترکیه مبدل به گذرگاه نفتی می‌شود که مضاف بر نفت دریای خزر،

نفت قزاقستان نیز از خاک او عبور می‌کند. بنابراین افزایش نقش ترکیه در زمینه تأمین انرژی غرب، نزدیک شدن به آن‌ها، توسعه نفوذ خود در منطقه، کاهش وابستگی در زمینه انرژی از روسیه و عواید اقتصادی ثمرات احداث و عبور این خطوط از ترکیه برای این کشور هستند.

۲-۷-۲- جلوگیری از نفوذ روسیه در منطقه

مواضع ترکیه در منطقه در راستای آمریکا قرار دارد (آلیسون، ۱۳۸۴: ۷۸). در این راستا می‌توان به حمایت ترکیه در جلوگیری از تجزیه آبخازی گرجستان علیه روسیه و حمایت از توسعه ناتو به منطقه، حمایت از قزاقستان برای حفظ استقلال خود از روسیه، درخواست آمریکا و ترکیه به قطع خطوط لوله روسیه در جریان بحران چچن (آلیسون، ۱۳۸۴: ۸۶)، که سبب افزایش اهمیت مسیری ترکیه شد، اشاره کرد.

۲-۸-۲- برقراری ثبات در منطقه

نوسان سیاسی و امنیتی ناشی از فروپاشی شوروی هم به عنوان فرصت نفوذ و هم یک هدف برای کلیه همسایگان منطقه، از جمله ترکیه، مورد توجه قرار می‌گیرد. حفظ ثبات شرط لازم برای توسعه اقتصادی، تأمین امنیت مرزها و امنیت کشور برای همسایگان منطقه قلمداد می‌شود.

۲-۳- چالش‌ها

همانند دیگر رقبای ترکیه نیز در پیگیری اهداف خود در منطقه با چالش‌ها و تعارضاتی روبرو است که این چالش‌ها تا حدودی ناشی از وابستگی متقابلی است که حتی مابین متخاصمان در عرصه بین‌المللی وجود دارد.

۲-۳-۱- نزدیک شدن به آمریکا و تعارض با منافع اتحادیه اروپا

با وجود آنکه آمریکا و اتحادیه اروپا در موارد بسیاری از منافع مشترک بهره می‌برند. اما مهمترین هدف اتحادیه اروپا در منطقه تأمین امنیت خطوط انرژی است. در این راستا ایران به عنوان مناسبترین گزینه مدنظر قرار دارد ولی مخالفت آمریکا با انتقال خطوط لوله از

ایران، سبب آن شده که در این ناحیه موضوعی اختلافی، هر چند جزئی، بین این دو بازیگر بوجود آید و حال آنکه ترکیه از جهتی به عنوان متحد استراتژیک آمریکا به ایفای نقش می‌پردازد و از طرف دیگر خواهان افزایش نقش خود در اروپا و عضویت در اتحادیه اروپا است. با توجه به وجود گرایش‌های اسلام‌گرایانه، آمریکا نگران آن است که با طرد ترکیه از سمت اروپا، دولتمردان ترکیه سیاست حمایتی خود از اروپا و آمریکا را در عوض پیگیری رویکردهای اسلام‌گرایانه در منطقه تغییر دهد لذا سیاست ترکیه در این منطقه با خط قرمزهایی از جانب آمریکا روبرو است. به علاوه توسعه ناتو و اتحادیه اروپا دو مسیر حمایت کننده از یکدیگرند که در صورت پذیرش عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا هر دو از قدرت مضاعفی بهره خواهند برد. اهمیت این الحاق در جنگ گرجستان نمایان بود با این حال اتحادیه اروپا به این الحاق تمایل ندارد.

۲-۳-۲- پیگیری سیاست‌های غرب و از دست دادن منافع خود در رابطه با ایران سیاست مهار ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با نقشه آمریکا و اقدام اسرائیل و ترکیه صورت می‌گیرد. ولی ترکیه نمی‌تواند از حجم معاملات اقتصادی بین خود و ایران و هم‌مرزی با ایران چشم‌پوشی کند. لذا استفاده ترکیه از مدل band - wagon و نشستن او در قطار آمریکا در مقابله با ایران و بهره بردن از اختلاف ایران و آمریکا برای توسعه نفوذ خود در منطقه و ارائه الگوی سکولاریسم نمی‌تواند خالی از چالش برای ترکیه باشد.

۲-۳-۳- چالش در ایجاد همگرایی در منطقه از طریق پیمان "امنیت و ثبات در قفقاز جنوبی"

برخلاف آنکه بی‌ثباتی می‌تواند در مواقعی به نفع بازیگران فرامنطقه‌ای تمام شود اما برقراری ثبات در منطقه برای هر کشور نزدیک به منطقه از اهمیت زیادی برخوردار است. به عنوان نمونه، جنگ قره‌باغ بین ارمنستان و آذربایجان امنیت همسایگان آنها، چون ترکیه را به مخاطره انداخت (احمدی لفورکی، ۱۳۸۳: ۲۰۲). لذا در این راستا ترکیه سعی دارد از طریق این پیمان به تثبیت وضعیت منطقه در راستای اهداف خود اقدام نماید. اما اختلاف

بین روسیه با گرجستان و آذربایجان با ارمنستان و سیاست غرب‌گرا و ضد روسی ترکیه تحقق این پیمان را با دشواری روبرو ساخته است.

۲-۳-۴- تأمین امنیت خطوط انرژی

تأمین امنیت خطوط انرژی برای ترکیه حائز اهمیت است. لذا ترکیه علاوه بر جلب حمایت آذربایجان و گرجستان به ارمنستان نیز نیازمند است. با وجود آنکه ارمنستان برای رهایی از انزوا خواهان برقراری رابطه با ترکیه است ولی یکی از شروط این رابطه را در آن می‌داند که ترکیه کشتار ارامنه توسط عثمانی در ۱۹۱۵ را به رسمیت بشناسد. علاوه بر این مخالفت‌های داخلی ترکیه و مخالفت آذربایجان با برقراری این رابطه موانعی بر سر راه برقراری امنیت خطوط لوله برای ترکیه است لذا احتمال آن می‌رود که ارمنستان بجای ترکیه در صدد تقویت روابط خود با روسیه و ایران برآید، خصوصاً آنکه ماهیت برقراری این رابطه در راستای منافع غرب در جلوگیری از نفوذ ایران و روسیه قرار دارد، لذا ایران و روسیه در این رابطه بیکار نخواهند نشست و این امر ترکیه را در رسیدن به اهداف خود با پیچیدگی روبرو می‌سازد.

۲-۳-۵- پیگیری سیاست‌های ضد روسی و تعارض با دستیابی به اهداف

از آنجایی که روسیه همچنان از بیشترین نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز برخوردار است و همچنان فرهنگ اجتماعی و سیاسی کشورهای موجود در این منطقه وابستگی زیاد خود را با روسیه حفظ کرده‌اند، پیگیری سیاست‌های ضد روسی، به منظور جلب توجه اتحادیه اروپا و آمریکا، ترکیه را در رسیدن به اهداف خود، بویژه در زمینه‌های اقتصادی و انرژی، با مانع مواجه ساخته است.

۲-۳-۶- مشکلات داخلی ترکیه و تهدید در قطع حمایت غرب از او

به علت مسائل حقوق بشر و برخورد ترکیه با کردها سازمان‌های حقوق بشری این کشور را تحت فشار قرار داده‌اند و این از گستره نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز کاسته است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۱). ولی آنچه مسلم است این است که ترکیه به راحتی حاضر نیست تا در عوض بدست آوردن این حمایت به مبادله مسائل حیاتی خود پردازد.

۲-۳-۷- مشکلات داخلی ترکیه و تهدید خطوط انرژی

وجود ناآرامی‌ها مخصوصاً در مناطق کردنشین از میزان اعتماد اروپا و غرب برای عبور خطوط انرژی از ترکیه خواهد کاست (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۱). لذا ترکیه در اتکای اروپا به امنیت ترکیه تشکیک حاصل آمده است.

۲-۳-۸- اسلام‌گرایی و کاهش حمایت غرب

با توجه به گرایش‌های اسلام‌گرایانه در ترکیه، آمریکا نگران آن است که با طرد ترکیه از اتحادیه اروپا، دولتمردان ترکیه به تغییر سیاست حمایتی خود از غرب پردازند و به پیگیری رویکردهای اسلام‌گرایانه در منطقه رو آورند. باید توجه کرد که اسلام مورد حمایت غرب اسلام غیر سیاسی است و آنها از این الگوی اسلامی حمایت می‌کنند لذا سیاست حمایتی آمریکا از ترکیه دارای خطوط قرمز است. به علاوه توسعه ناتو و اتحادیه اروپا دو روند حمایت‌کننده از یکدیگر هستند و در صورت پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا، هر دو از قدرت مضاعفی بهره خواهند برد. ولی اتحادیه اروپا، که مسیحیت پایه‌ای قدرتمند در ایجاد آن بوده، حاضر به قبول این ریسک نیست که کشوری با گرایش‌های اسلام‌گرایانه به عضویت آن درآید و به این ترتیب این ریسک را پذیرا شود که در حدود شصت نماینده از این کشور در پارلمان اروپا حضور یابند. لذا اروپا تقریباً به این نتیجه رسیده که از این الحاق خودداری کند و این مانع از همگرایی بیشتر ترکیه، ناتو و اتحادیه اروپا و بهره‌مندی از مزایای یکدیگر برای توسعه نفوذ در منطقه خواهد شد. بنابراین می‌بینیم که این چالش علاوه بر ترکیه برای غرب نیز می‌تواند چالشی به حساب آید. البته ترکیه می‌تواند تا حدودی از این گرایش‌ها جهت اعمال خواسته‌های خود بر غرب بهره برد.

نتیجه‌گیری

گرچه ورود آمریکا به منطقه از جانب برخی کشورهای منطقه و برخی از بازیگران دخالت‌کننده در منطقه مورد حمایت قرار گرفته است، ولی روسیه، ایران و چین کشورهای اندکی هستند که خرسندی زیادی از این ورود ندارند. با این حال انتخاب اعضای تیم کاری اوباما - برخلاف تیم بوش که متخصص جنگ سرد و شوروی‌شناس بودند، تیم

اوباما خاورمیانه‌شناس هستند - اظهارات بایدن، معاون اول اوباما، مبنی بر بهبود رابطه با روسیه نشان از آن دارد که اوباما به دنبال تنش‌زدایی در روابط خود با روسیه برای حل مسائل دیگر خود، بویژه مسئله فلسطین و انرژی هسته‌ای ایران، با فراغی بازتر دارد. روسیه نیز با اقداماتی همچون همیاری با آمریکا در افغانستان، تعلیق عملی همکاری در زمینه انرژی اتمی با ایران، موافقت با کاهش حمایت اندک خود در طرح صلح خاورمیانه از حماس و حزب‌الله تلویحاً با سیاست جدید اوباما موافقت کرده است. در این سیاست جدید، آمریکا سعی دارد تا با تأکید بر نقاط مشترک بین دو کشور در مسائلی همچون مبارزه با تروریست بین‌المللی، بنیادگرایی اسلامی و عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، منطقه را از حوزه‌ای برای رقابت با روسیه براساس قانون حاصل جمع صفر به حوزه‌ای برای همکاری با روسیه براساس بازی "برد - برد" مبدل سازد (آلیسون، ۱۳۸۴: ۱۸۲). چین نیز خواهان نزدیکی با آمریکاست. لذا به نظر می‌رسد که ایران به مهم‌ترین رقیب آمریکا در منطقه تبدیل خواهد شد. البته نمی‌توان از جنبه‌های رقابت‌آمیز دیگر در روابط بین این کشورها صرف نظر کرد. ولی پیگیری این سیاست تنش‌زدایی از جانب آمریکا بدون هزینه نیز نبوده است. شواهد نشان از آن دارد که در حال حاضر این منطقه بیش از آنکه به تبعیت از آمریکا پردازد به سیاست روسیه گوش فرا می‌دهد. به این ترتیب، آمریکا حاضر خواهد شد که در ازای حفظ منافع دیگر خود در سایر نقاط جهان و بدست آوردن اعتبار برای رسیدن به قدرت هژمونیک، به پذیرش نقش روسیه در این منطقه تن دهد. وجود تعارض بین آمریکا و برخی کشورهای موجود در منطقه، مثل ازبکستان و قرقیزستان، که به ترتیب به علت پیگیری دموکراسی در ازبکستان و عدم پاسخ به نیازمندی اقتصادی قرقیزستان حاصل آمده، علی‌رغم نیازمندی شدید این کشورها به نقش سیاسی و اقتصادی آمریکا، کوچک جلوه می‌نماید.

ترکیه نیز، با وجود فرصت‌های نسبتاً مناسب برای رسیدن به اهداف خود با چالش‌هایی مواجه است. مثلاً با وجود تمایل غرب به اتکاء بر نیروی نظامی ترکیه، وجود ایران و روسیه مانع از ایفای جدی این نقش توسط ترکیه، جز در قالب ناتو و در قضیه

آذربایجان، شده است. در این بین ایران و روسیه مهمترین رقبای ترکیه برای نفوذ و بهره‌برداری از منطقه و آمریکا و اسرائیل و سپس اتحادیه اروپا مهمترین حامیان ترکیه در افزایش نفوذ در منطقه به شمار می‌آیند. گرچه ترکیه از حامیان بیشتری نسبت به رقبای خود برخوردار است اما از آنجایی که رقبای ترکیه جزء کشورهای همسایه منطقه و حامیان ترکیه جزء بازیگران فرامنطقه‌ای به شمار می‌آیند، وزنه حمایتی حامیان آن با وزنه مخالفان آن تقریباً در یک میزان به تعادل می‌رسند. حال آیا ترکیه حاضر است به خاطر منافع خود در منطقه از غرب‌گرایی خود دست بکشد، که البته در این صورت نیز احتمال از دست رفتن نفوذ آن، با رها شدن از حمایت غرب، وجود دارد؟ یا به روند فعلی خود و باقی ماندن چالش‌ها ادامه می‌دهد؟

بنابراین، می‌توان دید که گرچه غربی‌ها برای مقابله با حریفان خود به همکاری با یکدیگر نیازمندند و در بکارگیری فرصت برای توسعه نفوذ خود شباهت زیادی با یکدیگر دارند ولی تعارضات آنها در اهداف - به عنوان مثال آمریکا در پی دستیابی به قدرت هژمونیک و اروپا در پی منافع اقتصادی و انرژی است - آنها را با چالش مابین فرصت‌ها و اهداف روبرو ساخته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها:

- 1- www.Farsnews.com (Aug 13 2009)
- 2- www.iras.ir (دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۸۸)
- 3 - www.Farsnews.com (Aug 13 2009)
- 4 - www.FarsNews.com (Aug 13 2009)
- 5 - www.iras.ir (شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۸۸)

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- ابوالحسن شیرازی، حبیب و مجیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، **سیاست و حکومت در آسیای مرکزی**، تهران: نشر قومس.
- ۲- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۸۶)، "تکرار بازی بزرگ در آسیای مرکزی"، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، بهار، شماره ۲.
- ۳- احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۳)، **راهنمای منطقه خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران: ابرار معاصر.
- ۴- آلیسون، روی (۱۳۸۲)، **امنیت در آسیای مرکزی: چارچوب نوین نظم جهانی**، محمدرضا دبیری، تهران: وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات.
- ۵- انصاری، مجید (۱۳۷۳)، **ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه**، تهران: مؤسسه وزارت امور خارجه چاپ و انتشارات.
- ۶- رضائی، نصیر (۱۳۸۰)، "میدان نبرد آسیای میانه و نقش ترکیه"، **مترجمان اقتصادی**، مرداد، سال ۶.
- ۷- کولایی، الهه (۱۳۸۴)، **بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی؛ زمینه‌ها و چشم‌اندازها**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۸- گزیده تحولات جهان (۱۳۷۹)، سفر "احمد نجدت سزر، رئیس‌جمهور ترکیه"، **آسیای میانه**، آبان، جلد ۱، شماره ۴.

۹- مؤسسه ابرار معاصر تهران (۱۳۸۳)، کتاب **کشورهای مستقل مشترک المنافع (۲)**، تهران: ابرار معاصر تهران.

۱۰- مرادی، منوچهر (۱۳۸۵)، **چشم انداز همکاری ایران و اتحادیه اروپا در تأمین ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی: حدود و امکانات**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.

۱۱- معظمی گودرزی، پروین (۱۳۸۳)، **مجموعه مقالات دهمین همایش آسیای مرکزی و قفقاز: تجربیات گذشته، چشم انداز آینده**، تهران: وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.

۱۲- معظمی گودرزی، پروین (۱۳۸۳)، **مجموعه مقالات یازدهمین همایش آسیای مرکزی و قفقاز: امنیت در قفقاز جنوبی**، تهران: وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.

۱۳- هاشمی، غلامرضا (۱۳۸۴)، **امنیت در قفقاز جنوبی**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.

- 14- Akbarzadeh, Shahram(2004), "US-UZBEK partnership and demottratic reforms", **nationalistic papers**, June, Vol. 32, No. 2.
- 15- Bhdrakumar, Mk(2006), "Moscow, Tehran force the US's hand", **Asia Times**. <http://www.antimes.com> (Feb 18, 2009).
- 16- Brow, L Carl(2009), "Descent into chaos: the United States and the failure of Nation Bulding in Pakistan, Afghanistan and Central Asia", **Foreign Affairs**, New York, June/Feb, vol. 88, Iss. 1.
- 17- Durmaz, Elif(2008), "Neverending Tension in Caucasia", **The journal of Turkish weekly**, Friday, Aug 8. <http://www.Turkishweekly.com> (Monday, 17 August 2009).
- 18- Hunter, Shireen(2001), "Turkey, Central Asia and the Caucasus: Ten years after independence", **Journal of Southeast European and Black Sea Studies**, May, Vol. 1, No.2.
- 19- Jung, Dietrich(2001), **Turkey at the crossroads**, London and New York: Zeb Book, first published.
- 20- Meskhetian, Ahiska(2002), "Turks: source of conflict in the Caucasus", **Journal of Human Rights**, No. 1-2.
- 21- Peek, JM(2007), "Central Asia: Views from Washington, Moscow and Beijing", **Middletown**, Vol. 45, Iss. 4.
- 22- Rumer, Boris(2000), **Central Asia and the New Global Economy**, New York: M. E SHARPE, first published.

- 23- Sajjadpour, Mohammad Kazem(2005), "American Foreign Policy and the Issue of Energy in Northern Iran", **Amu Darya**, Vol. 9, No. 19.
- 24- Shaffer, Brenda(2003), "Iran and Its neighbors" Iran's role in the south Caucasus and Caspian region": diverging views of the US and Europe. **SWP Berlin**, July.
- 25- Sulaiman, Sadia(2002), "Role of Central Asia in War against terrorism: futuristic appraisal", **Strategic Studies**, summer, No. 2.
- 26- Varadarajan, Siddharth(2007), "This has nothing to do with energy", **India's National Newspaper**, Wednesday, May 02, 2007. <http://www.thehindu.com> (May 2,2007)

